

- پنجشنبه ۲۳ دی ۱۴۰۰**
- سال بیست و هفتم**
- شماره ۷۸۲۳**

بارالها! پناه می‌برم به تو از هیجان حرص، شدت غضب، غلبه حسد، کمی صبر، پیروی از هویای نفس و سرپیچی از مقررات حق. همچنین به توناه می‌برم از اینکه در سروری و سرپرستی زیر دستا بد رفتار باشم و شکر مصاحبت دوستان و برگزیدگان خود را به جانیاورم! یا آنکه ظالمی را در ظلمش بیاری رسانم. یا آنکه استغاثه مظلومی را نشنیده گیرم و به فریادش نرسم. یا به کاری همت گمارم که شایسته من نباشد. یا از علمی سخن گویم که از آن آگاه نباشم. (صحیفه سجاده‌ی دعای هشتم)

### عدة الداعی

#### اثری نفیس در حوزه دعا

«عَدَّةُ الدَّاعِي وَ نَجَاحُ السَّاعِي» کتابی برجسته در موضوع دعا وآداب وآثار آن، تألیف احمد بن محمد بن فهد حلی است که به تعریف، ترتیب، چگونگی و آداب دعا پرداخته و در هر موضوع، احادیث مربوط به آن را گردآوری کرده است. این فُهد حلی (۷۵۷-۸۴۱ق) از عالمان، فقیهان و محدّثان امامی و شهرت او بیشتر در اخلاق، دعا و سیر و سلوک است.

مؤلف در مقدمه کتاب می‌نویسد چون مناجات با خداوند وسیله نجات و کلبید عطاست و اینکه برای اجابت دعا اسباب و خصوصیات لازم است، به تألیف این اثر روی آورده است. این کتاب به فارسی ترجمه شده و در دسترس فآرس زبان قرار دارد.

مؤلف، در ابتدا، به تعریف دعا و ترغیب به آن پرداخته و پس از بیان تعریف لغوی و اصطلاحی دعا، به ذکر اخبار «من یبلغ»، با این مضمون که: «هر کس حدیثی را در استحباب چیزی بشنود و به آن عمل کند، ثواب آن را می‌برد، اگر چه پیامبر(ص) آن را نگفته باشد»، همت نهاده است.کتاب، در شش باب تنظیم شده است:

درباره ترغیب بر دعا توسط عقل و نقل: در باب نخست، ابتدا دلیلی عقلی بر لزوم دعا کردن بنده آورده، پس از آن، روایات پیامبر(ص) و ائمه(ع) را در این باره ذکر کرده است. همچنین آیات قرآن پیرامون آن را آورده و به آنها استدللا نموده است. مؤلف، در بین مطالب، اشکالات متعددی را که ممکن است به ذهن انسان خطور کند، مطرح و به آنها جواب‌های مشروحی داده است.

درباره اسباب اجابت دعا: این فهد، در این قسمت، اسباب مزبور را هفت قسم دانسته که برخی به خود دعا، برخی به زمان آن، برخی به مکان آن، برخی به حالات داعی، برخی به حالاتی که دعا در آن واقع می‌شود و برخی به موارد دیگر بازمی‌گردد.

در سوئمن باب، از کسانی که دعایشان مستجاب می‌شود و کسانی که دعایشان مستجاب نمی‌شود، بحث شده است.

در باب چهارم از آداب قبل از دعا (طهارت، استقبال قبله و…)، آداب مقارن با دعا (پافشاری کردن در دعا، اجتماع در دعا، حالت خشوع به خود گرفتن و…)، آداب بعد از دعا (ملازمت بر دعا در صورت اجابت و عدم اجابت، کشیدن دست بر صورت، ختم کردن دعا با صلوات فرستادن بر پیامبر و آل او) و اموری که باعث نابودی عمل می‌گردد(ریا و عجب)، سخن به میان آمده است.

این فهد، در ابتدای باب پنجم، جملاتی را با این مضمون، مرقوم نموده است: «حال که فضل و اهمیت دعا بیان شد، بحتی پیرامون ذکر می‌آوریم، زیرا ذکر، تمام فواید دعا را دارد و قائم مقام آن می‌شود و همان‌طور که دعا رفع بلا و جلب نفع می‌کند، ذکر نیز همین خصوصیات را دارا است.»وی در ادامه، شرایط و آداب ذکر و انواع آن را بیان کرده و ادعیه مربوط به به اوقات خاص را آورده است. باب پایانی به تلاوت قرآن به‌عنوان قائم مقام دعا و ذکر و واجد فواید آنها پرداخته و مطالبی را در برتری قرآن بر دعا و ذکر، بیان می‌فرماید. همچنین از خواص قرآن و سوره آن سخن می‌گوید.

این فهد حلی، در خاتمه کتاب، اسماء الله الحسنی را با ذکر روایتی از پیامبر(ص) بیان کرده، پس از آن، درباره هر یک از ۹۹ اسم الهی توضیحی مختصر داده و در پایان، نکته ظریفی را در مورد تکرر اسماء الهی و یگانه بودن ذات خداوند و وجه جمع بین این دو، بیان نموده است.

در کتاب عدة الداعی روایتی به نقل از پیامبر اسلام نقل شده که می‌فرماید: جبرئیل امین بر من نازل شد، در حالی که شادان و خندان بود. بر من سلام کرد، گفتم: یا جبرئیل چه خبر است؟ گفت: خدای عز و جل برایت هدیه‌ای فرستاده است و آن کلماتی از کتبخ‌های بهشت است که خدا به تو کرامت فرموده است. گفتم، آن کلمات چیست؟ عرض کرد: بگو! «یا من اظهر الجمیل و ستر القبیح…» در پایان جبرئیل گفت: این دعا را به متقین پیاموز که حتما مستجاب می‌شود.

#### فادوس

**فاطمه یگانه**، می‌دانی آرزویم چیست؟ آرزویاز دلم دارم، ولی این بزرگ ترینش است! آرزویم این است که شبیه یک کلمه توی قرآن بشوم! اولین بار توی بین الحرمین این آرزو بر زبانم جاری شد! عصر اربعین بود، داشتم با برهنه از حرم حضرت عباس می‌رفتم به سمت حرم امام حسین (ع)، داشتم قربان صدقه‌شان می‌رفتم و فکر می‌کردم وقتی که رسیدم، زانو که زدم، سرم را که روی سنگ گذاشتم چه آرزویی رایهشان بگویم؟ لابه‌لای قربان صدقه‌هایم صدایشان کردم با اینها النفس المطمئنه! انگار یک نفر دیگر این اسم را توی ذهنم گذاشته بود، بند دلم پاره شد! اشک هام که راه افتاده بود، سیل شد، نفس مطمئن! این همان آرزوی من بود؟ دلم اطمینان خواست، کلمه توی دلم ریشه دواند رفت چسبید به بقیه کلمه‌های سوره فجر…

فجر را زبان گرفته بودم! قرباتان بروم من! چقدر شما شبیه سوره فجرید! دانه‌های سوره فجر قبلاتوی دلم کاشته شده بود، آنجا پوستش شکافت! جوانه بیرون زد، شد آرزوی من. آرزوی من این شد که من هم شبیه یک سوره قرآن بشوم! بعد خودم به خدوم گفتم اووووه چه خوش اشتها! خودم از خودم خجالت کشید دست و پایش را جمع کرد، آرزو کرد شبیه یک کلمه توی قرآن بشود! یکی از آن همه کلمه. کدامش؟ هنوز نمی‌دانم، مثل بچه‌هایی که نمی‌دانند وقتی بزرگ شدند می‌خواهند چه کاره بشوند! فقط می‌دانم دوست دارم شبیه یکی

# تکلیف مؤمن در دشواری های عصر غیبت

سیدمسعود راد

مشاور تربیتی



... می‌گفت: نیمه شبی برای نوشیدن آب از خواب برخاستم و کلید برق را فشار دادم و لامپ روشن نشد. دوباره و چند باره این کار را کردم ولی... فهمیدم برق رفته است. چاره را در این دیدم که فورمال کورمال خودم را به آپشیزخانه برسانم تا وسیله‌ای برای روشنایی بیابم. اما در راه، بدنم به صندلی گیر کرد و افتادم. پایم ضرب دیدگی پیدا کرد و شکست. الان چند روز است که در گچ می‌باشد. در این چند روز به چیزهای مختلف فکر کردم. از جمله این که اگر به منبع نور و انرژی متصل نباشی برای طی مسافت کوتاهی، مثل اتاق خواب تا آپشیزخانه هم ایمن نیستی و هم خطرهای زیادی تهدیدت می‌کند. ممکن است به زمین بیفتی و پایت بشکند. ممکن است سرت به جایی اصابت کند یا خدایی نکرده از بین بروی و...بعد فکرکردم این در امور مادی است، در امور معنوی هم اگر کسی که به منبع نور و هدایت الهی متصل نباشد هر لحظه در معرض سقوط یا خطرگمراهی است. بعد این جمله از زیارت روز جمعه به یادم آمد، آنجا که می‌خوانیم «السلام علیک یا نورالله الذی یهتدی به الهمهتدون» سلام بر شما، ای نور و روشنایی خدا که به واسطه شما، هدایت‌خواهان هدایت می‌شوند. با خود عهد کردم که پیوند معنوی خود را با امام زمان (عج) که امروزحجت خدا و مرجع هدایت الهی است، دائمی و محکم کنم تا از خطر گمراهی و انحراف مصون بمانم.

**■ زمان آگاهی و اهمیت آن**
آیا می‌دانید! در چه عصر و زمانی زندگی می‌کنیم؟ این پرسش اشاره به یک ویژگی مهم که در انسان دارد و آن «زمان آگاه» بودن اوست. در اعتقادات دینی ما اهمیت این ویژگی و صفت

از کلمه‌های قرآن بشوم، او از آن روز کلمه‌ها را یک جور دیگری می‌بینم! انگار خودم را بین آن‌هامی‌جویم!

امروز توی سوره یس یکی از آن خودم‌ها را پیدا کردم، از آن خودم‌هایی که شاید همان آرزوی من باشد. رجل یسعی! مردی که از آن سرشهر دوان دوان آمد، نفس نفس زنان بیداری‌اش را فریاد زد، شاید شبیه پیامبر وقتی که از غار حرا بر می‌گشت، لرزان از حجم حیاتی که خدا ریخته بود توی جانش! سوره داشت برایمان مردم آن شهر را مثال می‌زد، برای اثبات دو دوتا چهار تاهای اوایل سوره! که نقل زندگی مرده آدم‌ها بود و راه بلند شدن از این مردگی و خواب‌زدگی به زندگی و بیداری، رسید به رجل یسعی! تنها زنده آن مردگان بسیار! که دم از حیات زد و در دم انگار روی شانه‌هایش بال سبز شد! مگر غیر از این است که شهدا زنده‌ترین ما هستند؟! دلم همین جا گیر کرد، همین جا پیش رجل یسعی، که شبیه نفس مطمئنه بود! آن‌طور که محکم و مطمئن داد زد «انی آمنت بربکم»، آن‌طور که دست‌هایش را به خواهش آغوش فرستاده‌های خدا باز کرد که «فاسمعون»؛ آن‌طور که در دم به وصال رسید و قیل ادخل الجنة را توی بغل خدا بود که شنید! آن‌طور که از توی بغل خدا، خون دلش می‌چکید که «یلبت قومی یعلمون!»

# تکلیف مؤمن

سیدمسعود راد

مشاور تربیتی



بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. چنانکه حضرت علی(ع) می‌فرماید: «شناخت برای انسان همین بس که به زمان خویش آگاه باشد.»(بحارج ۷۸ ص ۸۰) یا این که می‌فرماید: «زمان شناس‌ترین مردم کسی است که از رویدادهای زمانه شگفت زده نشود (فریب نخورد)»(میزان الحکمه ص ۷۶) در جای دیگر نیز می‌فرماید: «زمان شناس را امور مشتبه، غافلگیر نمی‌کند.»(کافی ج ۱، ص ۲۷) پس آگاهی از وضعیت زمان و شرایطی که در آن زندگی می‌کنیم، بسیار لازم و ضروری است زیرا عدم آگاهی از شرایط و ویژگی‌های زمان، ممکن است باعث گمراهی و کج اندیشی ما شود و کج اندیشی نیز ما را از مسیر روشنی و هدایت دور ساخته و به هلاکت و نابودی بکشاند.

افراد زیادی را می‌شناسیم که به خاطر آگاه نبودن از جنبه‌های منفی تکنولوژی یا محیط‌های آلوده، در دام انسان‌های شرور و گمراه گرفتار شده‌اند. اکثر این افراد فقط به خاطر نداشتن آگاهی، فریب خورده‌اند. پس آگاه شدن از شرایط و ویژگی‌های زمان، می‌تواند ما را از این نوع گرفتاری‌ها مصون بدارد.

حضرت علی(ع) در روایت دیگری می‌فرماید: «آن کسی که از روزگار احساس امنیت کند، روزگار به او خیانت خواهد کرد و آن که به روزگار بزرگی و فخر فروشد(یعنی پیشرفت‌های زمان خود را بی‌ارزش بداند) روزگار او را خوار و کوچک کند و آن که بر روزگار خود خشم گیرد، (یعنی با پیشرفت‌های زمان خود بجنگد) روزگار او را بر زمین کوبد و آن که به روزگار پناه برد، روزگار او را تسلیم دشمن (تسلیم زشتی‌های عصر خود) کند. (تحف العقول ص ۸۵)

مفهوم اصلی در این عبارات این است که هر کسی باید نسبت به ویژگی‌های عصر و روزگاری که در آن زندگی می‌کند آگاه باشد و بداند که کدام یک از این ویژگی‌ها برای زندگی مادی و معنوی او

### مروری بر «الذریعه» اثر علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی کتابشناس بزرگ سدهٔ چهاردهم هجری

## منابع مرجع پشتوانه فرهنگ و تمدن

نقش و جایگاه منابع مرجع را باید فراتر از ارائه اطلاعات دانست، منابع مرجع و از جمله کتابشناسی‌هاشان‌دهنده و یا در واقع بخشی از تاریخ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زمانی هستند که در آن نوشته شده‌اند.

کتاب‌های مرجع در واقع عمارة فعالیت و کوشش دانشمندان و فرهیختگان را در خود نگه می‌دارند و نشانه‌ای از رشد فکر و ترقی جامعه هستند. می‌توان گفت این منابع دوره‌های مختلف فرهنگی جامعه را نشان می‌دهد که هر کدام از این دوره‌ها چندین سال و یا چندین سده را شامل می‌شود.

کتاب‌های مرجع به‌عنوان یکی از مهم‌ترین میراث‌مکتوب جامعه، یکی از مهم‌ترین پشتوانه‌های فرهنگ و تمدن هر قوم به شمار می‌روند. از مطالعه کتاب‌های مرجع می‌توان به گذشته و سابقه فرهنگی، علمی و نیز عمق و غنای تمدن صاحب آن کتاب‌ها پی برد، چرا که مقایسه اطلاعات کتاب‌شناختی آن‌ها در طول زمان نشان‌دهنده ظهور، تداوم و تکامل اندیشه‌ها در آن تمدن است. تأکید و سفارش اسلام

به استفاده از عقل و اجتهاد، باعث تخصصی شدن علوم و ایجاد انشعاب در آن شد. تخصصی شدن علوم راه را برای دسته‌بندی دانش و در نتیجه نوشتن کتاب‌های مرجع اسلامی باز کرد.

کتاب‌های مرجع کتاب‌هایی هستند که برای یافتن اطلاعات معین و محدودی، تهیه و تنظیم شده‌اند و برای کسب اطلاع فوری، مختصر و مستند مورد توجه و استفاده قرار می‌گیرند. نورالله مرادی کتاب مرجع را کتابی می‌داند که کتابدار مرجع به کمک آن به سوال مراجعه‌کننده پاسخ می‌گوید و کتابی است که کمتر کسی اقدام به خواندن آن را ابتدا تا انتها می‌کند،

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

## ایران فرصت‌گ

#### ایران

در خیر از رسول خدا نقل شده است که فرمود: اگر کسی خانه کعبه را آتش زند و خراب کند، گناهش آن قدر نباشد که به دوستی از دوستان خدا اهانت کرده و خواری روادار! کسی پرسید: دوستان خدا کیانند؟ فرمود: مؤمنان همه دوستان خدایند که آنان را از تاریکی به روشنایی آورد و چنانکه خداوند فرموده است که من مولای مؤمنانم و کافران مولادانند. از این جهت فرمود: «نحن اولیائکم فی الحیوة الدنیا و الآخرة» (فصلت ۳۷) اشارت است به آنکه باضعیفان رفق بیشتر کنند و عاجزان را بیشتر نوازند که جسارت دعوی آشنایی ندارند و از آنکه خود را آلوده دانند زبان گفتار ندارند. پس هر کس درمانده‌تر است به دوست نزدیک‌تر است و هر که شکسته‌تر به دوستی سزاوارتر! در خبر است که چون روز رستاخیزیکی از آن شکسته و سوخته‌ها را به حضرت برد، خداوند از او پرسد: بنده من چه داری؟ گوید: دوست تھی و دل پر درد، جان آشفته و حیران، در موج اندوه و غمان. خداوند فرماید: همچنان پروتا سرای دوستان که من سگستان و اندوهناکان را دوست می‌دارم.

گفتم چه نهم پیش دو زلف تو نثار / گرهیج به نزد چاکر آبی یک بار؟
پیشت بنهم این جگر سوخته زار / کاید جگر سوخته با مشک به کار؟

تصویر ادبی و عرفانی قرآن مجید. اثر خواجه عبدالله انصاری. ذیل تفسیر آیه ۲۵۷ سوره بقره



داد و هم مسیر رسیدن به هدف را درست انتخاب خواهند کرد و تبلیغات نیز کمترین اثر منفی روی باورهای آنها نخواهد داشت.

#### ■ زمان آگاهی در عصر غیبت

همه مردم جهان و بخصوص مسلمانان و شیعیان باید بدانند که اینک همه انسان‌ها در عصر غیبت امام معصوم خود، به سر می‌برند و باید بدانند که این عصر، عصر سختی‌ها، گرفتاری‌های ریز و درشت و بلاهای مختلف است؛ پس باید دائم مراقب دین و ایمان خود باشند و از منبع هدایت که وجود مقدس امام عصر(عج) است، طلب هدایت کنند.

او(عج) امام همه بنده‌های خداست و از جانب خالق هستی، مأمور هدایت آنهاست. همه انسان‌ها باید او و عصر غیبتش را بشناسند و از او(عج) برای حفظ ایمان استمداد بخواهند.

دارند اگر تلاش کنند و به عنایات الهی توکل کنند، قطعاً هم هدف خود را درست تشخیص خواهند

قوانین اقتصادی و حقوق بین‌الملل را درگرون سازند و به اسم ارتقای فرهنگی، مردم را در دره سقوط اخلاقی سرازیر کنند تا بتوانند منافع مادی بی‌شماری کسب کرده و به اسم آزادی، انسان‌ها را اسیر و برده افکار سلطه جویانه و زیاده خواهی‌های خود سازند.

امروز آگاهی از کاربردهای منفی تکنولوژی و سیاست و روش‌های غلط حاکم بر جهان و دیدن چهره واقعی آن، اهمیت بسیاری دارد. لیکن فشار زیاد تبلیغات و دروغ پردازی‌های رسانه‌های مختلف، رسیدن به این هدف را برای ما سخت و دشوار کرده است. به همین جهت برای شناختن چهره واقعی جهان باید خود را از بمباران تبلیغاتی دور نگه داریم، یعنی مراقب قضاوت درونی خود نسبت به آنچه می‌شنویم یا می‌بینیم باشیم.

البته ما معتقدیم کسانی که به خدا ایمان دارند اگر تلاش کنند و به عنایات الهی توکل کنند، قطعاً هم هدف خود را درست تشخیص خواهند



شده و شیعه، زاییده دیگر مذاهب خوانده شده بود، مرحوم شیخ آقا بزرگ بر آن شد تا با دو دوست ام‌اش، سیدحسن صدر و شیخ محمد حسن کاشف الغطاء، هم پیمان شوند تا هر یک در باب معرفی شیعه و فرهنگ آن کاری را بر عهده گیرند. ثمره کار سیدحسن صدر کتاب «تأسیس الشیعه لعلمو الاسلام» شد. شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، هم کتاب «تاریخ آداب‌الله» را در رد سخنان جرجی زیدان علیه شیعه نقد کرد و مرحوم شیخ آقا بزرگ طهرانی کتاب گرانسنگ الذریعه در موضوع کتاب شناسی را نگاشت. این مجموعه به‌صورت الفبایی تدوین شده، شامل بیش از یازده هزار صفحه است و در آن بیش از پنجاه و سه هزار کتاب به زبان‌های فارسی، عربی، ترکی، اردو، انگلیسی و گجراتی معرفی شده است. شیخ آقابزرگ تهرانی در جمع‌آوری این مجموعه، به آثار چاپی خطی که خود مشاهده یا مطالعه کرده، اشاره نموده است. افزون بر آن، از فهرست کتابخانه‌های گوناگون نیز سوره برده و گاه به

محمدرضا حکیمی

سال‌های نجف، همچون روزگاران گذشته خوش به پیگیری کارهای تحقیقی و ادامه رسالت علمی خود شب و روز می‌گذرانید و با امانت و اخلاص تمام، به تألیف و نشر اطلاعات خود اشتغال داشت. حوادث اندوه‌آفرین روزگار، پیشامدهای نامنتظر و بیماری‌های دردخیز که در زندگی وی بسیار بود هیچ یک نتوانستند او را در کار سست کنند و رنگ ناتوانی و ضعف به جوهر وجود او نزنند. شیخ در اخلاق اسلامی و تقوای نفس و طهارت ضمیر نیز از نمونه‌های اندک‌یابی بود که احوالات آن، اصحاب انمه طاهرین و علمای بزرگ شیعه را به یاد می‌آورد.» (شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدرضا حکیمی، ص ۱۷)

محمدرضا حکیمی سپس از سه اثر بزرگ و آبروآفرین شیعی در صد سال اخیر یاد می‌کند و می‌نویسد: «هنگامی که حماسه‌آفرینان پیاپی در رسیدند، حماسه‌سرایان باید به پا خیزند و حماسه آنان را بسرانند. آنان که حماسه‌های ژرف را، حماسه‌های پاک را، حماسه‌های والا را می‌سرانند خود نیز حماسه‌آفرینند. کدام حماسه، ژرف‌تر و پاک‌تر و والاتر از «الغدیر»، از «الذریعه»، از «بیان الفرقان»؟ الغدیر می‌گوید: حَقِّ با علی است. الذریعه می‌گوید: فرهنگ پنهانور اسلام در گرو شیعه علی است. بیان الفرقان می‌گوید: معارف حقه و علوم الهیه در نزد علی و اولاد علی است.» (همان، مقدمه ص ۲۱)

محمدرضا حکیمی پس از آنکه یکی از آثار خود را به نام شیخ آقا بزرگ می‌نامد و از محقق تهرانی می‌نویسد، در نهایت نیز از وی اینگونه یاد می‌کند: «علامه کبیر، مؤلف مجاهد، متبع کم‌مانند، خادم دین و جامعه، عاشق کتاب و فرهنگ، ناشر علم و فضیلت، عالم ربانی، تربیت‌یافته مکتب جعفر بن محمد علیه السلام، حضرت شیخ آقا بزرگ تهرانی.» (همان، ص ۶۵)